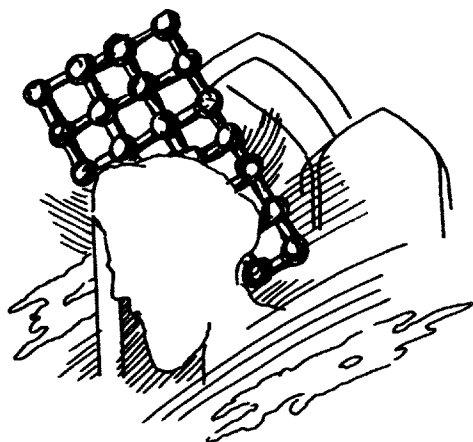


اماکن و آثار



حرم حضرت حمزه (ع)

در بستر تاریخ



محمد صادق نجمی

قبر شریف و حرم مطهر حضرت حمزه، آن بزرگ مجاهد اسلام و عموی دلسوز رسول الله ﷺ از سال سوّم هجرت، که آن حضرت به شهادت رسید، تا سال ۱۳۴۴ که گنبد و بارگاهش به وسیله وهابیان تخریب گردید، مراحلی را طی کرده و حوادثی را به خود دیده است که از نظر فقهی و مذهبی دارای نکاتی آموزنده و از نظر تاریخی حاوی مطالب ارزنده و قابل توجه است و ما در این بخش، مطالبی را به تناسب تاریخ وقوع آنها، در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌دهیم:

حمزه رضی الله عنه و شهدای احد را زیارت می‌کردند و معاویه نیز در سفر حج خود شهدای احد را زیارت نمود. و این جمله نیز آمده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از فاصله دور، قبور را مشاهده می‌کرد، با صدای بلند چنین می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ...».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر حمزه رضی الله عنه
محدثان و مورخان نقل کرده‌اند که:
«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر سال به زیارت قبور شهدا می‌رفت و خطاب به آنان می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»^۱ در این بخش از نقل‌ها این مطلب نیز اضافه شده است که: پس از رسول الله صلی الله علیه و آله ابوبکر، عمر و عثمان نیز قبر



سفارش امام صادق علیه السلام

المشركون».

حضرت صادق علیه السلام در ضمن توصیه به زیارت مساجد و مشاهد مدینه منوره، به معاویه بن عمار می‌فرماید:

درباره زیارت و حضور حضرت زهرا در کنار قبر حمزه علیه السلام، در منابع شیعه و اهل سنت مطالب فراوانی نقل است؛ از جمله اینکه: «إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام کانت تزور قبور الشهداء بین الیومین والثلاثة وتدعو وتبکی حتی ماتت».^۳

«لا تَدَعُ اتیان المشاهد... وقبور الشهداء وبلغنا أن النبی صلی الله علیه و آله کان إذا أتى قبور الشهداء قال: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»^۲

زیارت حضرت حمزه علیه السلام از مستحبات مؤکده است

زیات مشاهد و قبور شهدا (ی احد) را ترک نکن (زیرا) به ما نقل شده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به (زیارت) قبور شهدا می‌رفت می‌گفت: «السلام علیکم...»

بر اساس سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام، یکی از اعمال مستحب و بلکه یکی از مستحبات مؤکد برای مسلمانان، زیارت قبر حضرت حمزه و دیگر شهدای احد است و در این موضوع، فقهای شیعه و علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند و بهترین روز زیارتی آن حضرت را روز دو شنبه و پنج شنبه دانسته‌اند.^۴

فاطمه زهرا علیها السلام و زیارت حضرت

حمزه علیه السلام

مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز زنده بود و در این مدت بشاش و متبسم دیده نشد و هر هفته دو بار؛ روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به زیارت قبور شهدا می‌رفت و گاهی محل استقرار مشرکان در احد و همچنین جایگاه رسول خدا را به همراهانش معرفی می‌کرد؛ «لَمْ تُرْکَاشِرَةً وَلَا ضَاحِکَةً تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ؛ الإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ، فَتَقُولُ: هَهْنَا كَانَتْ رِسَالَةُ اللَّهِ وَهَهْنَا كَانَتْ

زیارت رجبیه در کنار حرم حضرت حمزه

ابراهیم رفعت می‌گوید: از قرن‌های گذشته در میان مردم مدینه عادات و برنامه‌های مختلفی رواج داشته که یکی از آن مراسم و برنامه‌ها، اجتماع مردم این

نفاق خویش را نسبت به اسلام و کینه و عداوتش را نسبت به سید شهیدان آشکار می‌ساخت!

کرامت شهدای احد و شکست سیاست معاویه

در سال چهل و نه هجری و پس از گذشت چهل و شش سال از جنگ احد و در دوران ریاست بلامنازع معاویه بن ابوسفیان، از طرف او دستور صادر شد که در احد قناتی حفر و مجرای آن را در کنار و یا داخل قبور شهدا قرار دهند و با آماده شدن قنات، منادی در مدینه اعلان کرد: افرادی که در احد شهید دارند برای در امان ماندن اجساد و قبور آنان از نفوذ و جریان آب، این قبور را نبش و اجساد شهدا را به محلّ دیگر انتقال دهند و بر اساس این دستور به نبش قبور شهدا اقدام گردید.

از جمله قبر حمزه علیه السلام و عمرو بن جموح و عبدالله پدر جابر شکافته شد، عمال معاویه با تعجب مشاهده کردند که این اجساد تر و تازه مانده‌اند؛ به گونه‌ای که گویی دیروز دفن گردیده‌اند. حتی لباسها و قطیفه‌ها و علفهایی که آنان را پوشش می‌داد با همان وضع باقی است و

شهر در کنار حرم حضرت حمزه علیه السلام است و این اجتماع همه ساله از اول تا نیمه ماه رجب با حضور زن و مرد تشکیل می‌گردد. در این مراسم افزون بر مردم مدینه گروهی از اهالی مکه و طائف و جدّه و رابغ و بادیه نشینان که همه ساله برای زیارت رجبیه در مدینه حاضر می‌شوند - شرکت می‌کنند و در این اجتماع قربانی‌های زیادی ذبح و به حاضرین اطعام و احسان می‌شود.^۵

ابوسفیان و قبر حمزه علیه السلام

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: در دوران خلافت عثمان، ابوسفیان از کنار قبر حضرت حمزه گذر می‌کرد، وقتی چشمش به قبر افتاد با پایش به قبر کوبید و خطاب به حضرت حمزه چنین گفت:

«يَا أَبَا عَمَارَةَ، إِنَّ الْأَمْرَ الَّذِي اجْتَلَدْنَا عَلَيْهِ بِالسَّيْفِ أُمْسِي فِي يَدِ غِلْمَانِنَا الْيَوْمَ يَتَلَعَّبُونَ بِهِ»^۶

«ای ابا عماره، (سر از قبر بیرون آر و ببین) حکومتی که ما بر سر آن با هم می‌جنگیدیم چگونه ملعبه و بازیچه جوانان ما گردیده است!»

و بدینگونه بار دیگر ابوسفیان کفر و



شهادت، پیشانی او مجروح و دستش روی جراحت گذاشته شده و با همان وضع دفن گردیده بود، هنگام نبش قبر دستش را از روی جراحت برداشتند، خون سیلان کرد تا مجدداً دست را به روی پیشانی مجروح گذاشتند و خون قطع شد.»

هدف معاویه چه بود؟!

هدف معاویه از حفر این قنات و جاری ساختن آن از کنار یا از داخل قبور شهدا، که به دستور مستقیم وی انجام می‌گرفت این بود که با انتقال اجساد شهدا به نقاط مختلف و محو آثار و قبور آنان، یک مشکل سیاسی - اجتماعی را که فکر او را دائماً به خود مشغول ساخته بود حل نماید؛ زیرا علی‌رغم تبلیغات فراوانی که به نفع او و بر ضد اهل بیت، به ویژه بر ضد امیر مؤمنان، علی علیه السلام در سراسر کشور اسلامی انجام می‌گرفت، سالانه هزاران زائر که از نقاط مختلف وارد مدینه می‌شدند، با حضور در کنار قبر حمزه و شهدای احد، صحنه این جنگ و جنایت‌های ابوسفیان و هند و شخص معاویه در به شهادت رسانیدن این شهدا و مُثله کردن آنان و شکافتن سینه حمزه علیه السلام و جویدن جگر او و به طور کلی

کوچکترین تغییری در آنها رخ نداده است؛ به طوری که وقتی بیل کارگر به پای حضرت حمزه خورد، خون جاری گردید و یا آنگاه که دست یکی از شهدا، که در روی زخم پیشانیش قرار داشت، برداشته شد خون جاری گردید و این کرامت شهدا موجب شد که عمال معاویه از تصمیم خود منصرف شده، قبور شهدا را به حال خود بگذارند.

این خلاصه‌ای است از آنچه در منابع تاریخی و مدینه‌شناسی گاهی به‌طور مشروح و گاهی به‌طور اختصار آمده است.^۷ یکی از راویان این حادثه تاریخی، جابر انصاری، صحابی معروف و فرزند عبدالله از شهدای احد است که می‌گوید: «استُصرخنا علی قتلنا یومَ أحد یومَ حَفَر معاویة العین فوجدناهم رطاباً یتثنون فأصاب المسحاة رجلَ حمزة فطار منها الدّم».

و در بعضی از این روایات آمده است: «کأنهم نُوم»؛ «شهدا را دیدیم تر و تازه گویا به خواب عمیقی فرو رفته‌اند.» درباره عبدالله یا عمرو بن جموح که در یک قبر دفن شده بودند آمده است: «فأمیطت یده عن جُرْحِهِ فانبعث الدّم فردّت الی مکانها فسکن الدّم»؛ «به هنگام

زیر سقف و دارای ساختمان بود ولی طبق نقل محدثان و مورخان، از امام باقر علیه السلام، اولین کسی که این قبر را پس از گذشت چند سال و ظهور آثار فرسودگی در آن، به تعمیر و ترمیم و سنگچینی و علامت‌گذاری پرداخت و از سایر قبور مشخص ساخت، حضرت زهرا علیها السلام بود و جالب این است که این روایت در منابع اهل سنت بیش از منابع شیعه منعکس گردیده است!

متن روایت چنین است:

«...عن سعد بن طریف، عن أبی جعفر علیه السلام إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَتْ تَزُورُ قَبْرَ حَمْزَةَ علیها السلام تَرْمُمُهُ وَ تُصَلِّحُهُ وَ قَدْ تَعَلَّمَتْهُ بِحَجْرٍ»^۸
«سعد بن طریف از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که دختر رسول خدا، فاطمه زهرا قبر عمویش حمزه را زیارت و آن را ترمیم و اصلاح می‌کرد و این قبر را با سنگ چینی، علامت‌گذاری و مشخص ساخته بود.»

حرم حضرت حمزه در قرن دوم

سمهودی از عبدالعزیز (قدیمی‌ترین مدینه‌شناس) نقل می‌کند: «إِنَّهٗ كَانَ عَلِيًّا

برافراشتن پرچم جنگ بر ضد اسلام و قرآن به وسلهٔ خاندان معاویه در اذهان زنده می‌شد و همهٔ جنایات آنان را تداعی می‌کرد و این وضع برای معاویه قابل تحمل نبود و لذا تصمیم گرفت اجساد این شهدا را که به عقیدهٔ او پس از گذشت بیش از چهل سال بجزیک مشت استخوان پوسیده از آنان باقی نیست، به دست بازماندگان خود این شهدا به نقاط مختلف منتقل و پراکنده کند و اثر قبرها را محو سازد تا احد و جنگ آن در اثر عدم حضور مسلمانان در این نقطه، به فراموشی سپرده شود. آری برای اجرای این سیاست بود که معاویه دستور حفر قنات و عبور دادن آن، از محل دفن شهدا را صادر کرد و تا نبش قبر آنان، این سیاست به خوبی پیش رفت ولی با کرامت شهیدان و سالم بودن اجسادشان مواجه گردید و برای جلوگیری از تبلیغات منفی بر ضد او و به طور اجبار اجساد شهدا در همان محل به خاک سپرده شدند.

فاطمه علیها السلام نخستین کسی که قبر

حمزه را ترمیم کرد

به طوری که ملاحظه خواهید کرد، قبر شریف حمزه از قرن دوم هجری در



ایجاد بنای باشکوه در قرن هفتم

ابن نجار، مدینه شناس قرن هفتم (متوفای ۶۴۳) که تقریباً شصت و چهار سال پس از دیدار ابن جبیر از حرم حضرت حمزه، کتاب خود را نگاشته است، می نویسد: در سال پانصد و نود و نه مادر خلیفه عباسی، ناصر لدین الله^{۱۲} برای حمزه حرم بزرگی بنا نهاد و ضریحی منقش از چوب ساج بر قبر او نصب کرد و اطراف حرم را دیوار کشید و بر این حرم دری از آهن گذاشت که این در، روزهای پنج شنبه به روی زائران باز است.^{۱۳}

حرم حضرت حمزه در قرن دهم

سمهودی (متوفای ۹۱۱) حرم حضرت حمزه را به همان شکلی که ابن نجار در سه قرن قبل از وی توصیف کرده است مشاهده نموده، می گوید: «وعلیه قبة عالیة حسنة مُثَقَّنَةٌ وبأبه مُصَفَّحٌ کَلَّهٌ بالحديد بَنَتْهُ أُمُّ الْخَلِيفَةِ النَّاصِرِ لَدِينِ اللَّهِ کَمَا قَالَ ابْنُ النَّجَّارِ وَذَلِكَ فِي سَنَةِ تِسْعِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ، قَالَ: وَجَعَلَتْ عَلَي الْقَبْرِ مَلْبِنًا مِنْ سَاجٍ وَحَوْلَهُ حِصْبَاءٌ وَبَابُ الْمَشْهَدِ مِنْ حَدِيدٍ يُفْتَحُ كُلَّ يَوْمٍ خَمِيسٍ...»^{۱۴}

به طوری که ملاحظه می شود، اصل بنای ساختمان حرم حضرت حمزه در

قبر حمزه قدیماً مسجد^۹؛ «از قدیم الأيام قبر حمزه در زیر مسجد^{۱۰} قرار داشت.» سمهودی سپس می گوید: «وذلك في المائة الثانية». گفتار عبدالعزیز به قرن دوم مربوط است.

پس بنا به گفتار این دو مدینه شناس، قبر حضرت حمزه در قرن دوم دارای حرم بوده و در زیر سقف قرار داشته است، گرچه تاریخ دقیق این بنا و همچنین بانی آن برای ما روشن نیست. در ادامه همین بحث، ملاحظه خواهیم کرد که کتیبه موجود در کنار مدفن شهدای اُحد بیانگر این بوده که قبور آنان هم در سال ۲۷۵ دارای بنا بوده است.

حرم حضرت حمزه در قرن ششم

ابن جبیر جهانگرد معروف (متوفای ۶۱۴) که در سال پانصد و هفتاد و نه به زیارت حرمین شریفین مشرف شده، می گوید:

«وعلى قبره عليه السلام مسجد مبني والقبر يرحبته جوفى المسجد»^{۱۱}

«مسجدی بر روی قبر حمزه عليه السلام ساخته شده است و قبر در فضای داخلی مسجد قرار گرفته است.»

قرن دهم، همان بوده که ابن نجار در اواسط قرن هفتم از کیفیت و اتقان و از در آهنی و از دیوارکشی اطراف آن سخن گفته است.^{۱۵}

سمهودی بقیة کلام ابن نجار را در مورد ضریح حضرت حمزه نقل می کند که: دارای ضریحی از چوب ساج همانند ضریح جناب ابراهیم و جناب عباس و حضرت حسن مجتبی علیه السلام می باشد. سپس می گوید: ولی امروز بر خلاف سه قبر یاد شده اخیر در قبر حمزه، ضریح چوبی که ابن نجار از آن یاد نموده است وجود ندارد، بلکه ضریح و قبر او از گچ و آجر است و شاید این ضریح با مرور زمان و با از بین رفتن آن ضریح چوبی ساخته شده است. سمهودی در آخر گفتارش، انتساب این بنا را به مادر خلیفه عباسی مورد تأکید قرار می دهد و می گوید: تاریخ این بنا که سال ۵۹۰ می باشد، در دیوار آن، در یک لوح با خط کوفی گچ کاری تا امروز باقی است.^{۱۶}

حرم حضرت حمزه در قرن سیزدهم و هشتماد و نه سال قبل از تخریب
مرحوم سید اسماعیل مرنندی که در سال هزار و دویست و پنجاه و پنج و سه

قرن و نیم پس از سمهودی به مدینه و به زیارت قبر حضرت حمزه مشرف شده است، می گوید: «قبر حضرت حمزه، عم رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا (احد) است. قبه و صحن دارد. یک صندوق چوبی دارد. بالای قبر مطهر پرده انداخته اند...»^{۱۷}

از این مطالب روشن می شود که در فاصله سه قرن و نیم، تغییرات نه چندان اساسی در حرم حضرت حمزه به وجود آمده که از جمله آنها نصب مجدد ضریح چوبی به جای ضریح آجری می باشد.

حرم حضرت حمزه در سال ۱۳۲۵

از توصیف ابراهیم رفعت مصری،^{۱۸} که در تاریخ پیشگفته و نوزده سال پیش از تخریب حرم حضرت حمزه را زیارت کرده است، معلوم می شود که اصل بنا و ساختمان حرم آن بزرگوار همان بوده است که پیشینیان در قرن های گذشته آن را تعریف و توصیف نموده اند و همان ساختمان که در قرن ششم بنا گردیده بود.

ولی در عین حال از سخن او به دست می آید که در زمان وی بعضی توسعه ها در اطراف حرم و بعضی تزیینات در داخل آن وجود داشته است



می دهد که گویای وجود شبکه فلزی نسبتاً بزرگ در روی قبر شریف است و چند نفر، از جمله خود او در کنار ضریح نشسته‌اند و در ضمن معرفی آنان می‌گویند از دست راست اولین شخص متولی حرم می‌باشد.

توسعه اطراف حرم

ابراهیم رفعت پاشا می‌نویسد: گرچه حرم حضرت حمزه را مادر خلیفه عباسی در سال ۵۹۰ بنا کرده است لیکن این حرم در سال ۸۹۳ توسعه یافت و به دستور ملک اشرف قایتبای ۱۹ و با سرپرستی شاهین الجمالی متولی حرم شریف نبوی ص در سمت غربی آن چاهی حفر شد و چاه دیگری نیز با چند دستگاه دستشویی به فاصله دور از حرم، برای استفاده زائران احداث گردید.

مَضْرَع حضرت حمزه ص

ابراهیم رفعت با بیان اینکه در بیشتر منابع تاریخی آمده است: «مصرع» و محل شهادت حضرت حمزه در دامنه «جبل الرمات» بوده و رسول خدا ص پیکر او را به این محل مسطح و هموار منتقل کرده و در آنجا دفن نموده است، به

که این توسعه‌ها در گذشته وجود نداشته و یا مورخان گذشته از آنها یاد نکرده‌اند. به هر حال، چون گفتار او دارای نکات قابل توجه است، آن را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم. او درباره حرم و ضریح حضرت حمزه می‌گوید:

این مسجد (حرم) دارای بنایی محکم و در عین حال ساده و خالی از تزیینات و دارای گنبدی است که در بالای ضریح حمزه قرار گرفته است و بر این ضریح پرده‌ای ملیله دوزی کشیده شده است، پارچه این پرده از جنس پرده در کعبه است که در مصر بافته می‌شود و در یک طرف آن نوشته شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا﴾.

و در طرف دیگرش نوشته شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾.

آنگاه عکسی را از داخل حرم ارائه

معرفی مصرع پرداخته، می‌گوید:

در داخل ساختمان «مصرع»،
ضریحی دیده می‌شود که در اطراف آن
پنج بیت شعر نوشته شده، با مطلع:

أَعْظَمُ بِمَشْهَدِ لَيْثِ اللَّهِ حَمْزَةَ مَنْ

بِیَوْمِ أُحُدٍ لَخَيْرِ الْخَلْقِ قَدْ نَصَرًا
«چه با عظمت و با شکوه است محل
شهادت شیر خدا حمزه؛ کسی که در
جنگ احد به بهترین خلق یاری کرد.»

ابراهیم رفعت سپس قطعه شعر
دیگری را نقل می‌کند که در لوحی نوشته‌اند
و در داخل ساختمان مصرع نصب کرده‌اند
است که از جمله ابیاتش این است:^{۲۰}

مسجد حاز کل فخر و سؤدد

بدا نوره إلى العرش یصعدُ

مسجد منه روح خیر شهید

رجعت بالرضا یفوز مؤید

«این مسجدی است که تمام افتخار و
بزرگی را حایز گردیده و اینک نور او
بر عرش صعود می‌کند.»

«این مسجدی است که روح بهترین
شهید، از آن برای نیل به سعادت ابدی
به سوی خدا رجعت نمود.»

ابراهیم رفعت می‌گوید لوح دیگری
در بالای ضریح «مصرع» دیده می‌شود که

در آن، این دو بیت نگاشته شده است:

قِفْ عَلٰی اَبْوَابِنَا فِي كُلِّ ضَيْقٍ

وَاطْلُبِ الْحَاجَاتِ وَابْشُرِ بِالْمُنَى

فَحَمَانَا مَاجَا لِلطَّالِبِينَ

وَبِنَا تَجَلَّى الْكُرُوبِ وَالْعِنَا

«در هر پیش‌آمد ناگوار به آستانه ما
ملتجی باش و حاجات خود را بخواه و
مژده باد بر تو برآورده شدن
خواسته‌هایت.»

«آستانه ما پناهگاه نیازمندان است و
به وساطت ما است که غمها و رنجها
برطرف می‌شود.»

او سپس ضمن ارائه عکسی از
اطراف حرم حضرت حمزه، به خانه‌ای
که در پشت باغ خرما دیده می‌شود، اشاره
نموده، می‌گوید: اینجا منزل مسکونی
خادم «مصرع» حمزه علیه السلام است.

دو باب آب انبار در محوطة صحن

ابراهیم رفعت در همان عکس به
مسجدی در پشت حرم حضرت حمزه
اشاره می‌کند و می‌گوید: در کنار این
مسجد دو باب آب انبار وجود دارد که
دارای بنای محکم و درهای آهنین
هستند، و از آب باران و سیلاب
رودخانه‌ای پر می‌شوند که با مدینه چهار



مدینه را هم مانند خاک حرم مکی جایز نمی‌دانستند، ولی همین علما نیز حمل تربت حمزه علیه السلام را به دلیل سیره عملی مسلمانان جایز می‌دانستند.

سمهودی در این مورد می‌گوید: زرکشی^{۲۳} حمل تربت حمزه را از خاک سایر نقاط مدینه مستثنی دانسته و به دلیل اینکه مسلمانان در طول قرن‌های متمادی این تربت را برای استشفای و مداوای سردرد به شهر و دیار خود حمل می‌کردند تجویز نموده است.^{۲۴}

و همچنین او از احمد بن یکتوت نقل می‌کند درباره حمل خاک قبور شهدا از وی سؤال نمودند، و او چنین پاسخ داد: اشکال ندارد؛ زیرا از گذشته‌های دور حمل خاک قبر حمزه در میان مسلمانان مرسوم بوده است.^{۲۵}

و باز او از ابن فرحون نقل می‌کند که در دوران ما هم مانند گذشته رسم بر این است که مسلمانان از خاک موجود در نزدیکی قبر حمزه به صورت تسبیح و گردن‌بند ساخته، به شهر و دیار خویش حمل می‌کنند.^{۲۶}

سمهودی می‌افزاید: چون حمل این تربت برای استشفای و مداوا است، آن را از سیل‌گاهی که در نزدیکی حرم حمزه علیه السلام

ساعت فاصله دارد و به وسیله تنبوشه و لوله سفالین هدایت می‌شود.

سپس می‌گوید: بانی این آب انبارها علی‌بک، بزرگ حاجب سلطان عبدالحمید می‌باشد.^{۲۱}

گنبد مصرع حمزه علیه السلام در نوشته بورتون

ریچارد بورتون، جهانگرد انگلیسی که در سال ۱۸۵۳ میلادی تقریباً یکصد و پنجاه سال پیش، از احد دیدار کرده است، می‌نویسد: اینک در جایگاهی که حمزه به شهادت رسیده، قبه و گنبد محکمی بنا گردیده است.^{۲۲}

تبرک جستن با خاک قبر حضرت حمزه علیه السلام

گفتار سمهودی، مدینه شناس معروف نشانگر آن است که مسلمانان از گذشته‌های دور به عنوان تبرک و استشفای خاک اطراف قبر حضرت حمزه را به اوطان خویش حمل و به صورت هدیه مدینه منوره، در میان اقوام و دوستان خود توزیع می‌کردند و با اینکه در میان فقهای اهل سنت انتقال خاک حرم مدنی مورد اختلاف بوده و عده‌ای از آنان حمل خاک

میلادی و در آستانه تسلط سعودی‌ها بر حجاز در زئی یک مسلمان در موسم حج شرکت نموده و مطالب فراوانی از مشاهدات خود و گاهی تحلیل‌های نادرستی را در سفرنامه‌اش منعکس ساخته است، به این مراسم شاه می‌کند و می‌نویسد: «رسم اهالی مدینه این است که هر سال یک بار از شهر خارج و سه روز متوالی در دامنه کوه احد اجتماع می‌کنند و در این مدّت به سیاحت و شادمانی می‌پردازند.»^{۲۹}

همانگونه که پیشتر ملاحظه کردید، هدف از این اجتماع در ماه رجب، عبادت و زیارت بوده نه جشن و سیاحت که بورخارت این جهانگرد غربی با برداشت و بینش خود مطرح نموده است.

چادرهایی که در این مراسم برافراشته می‌شد

لیب بتنونی مصری نیز که پیش از تخریب آثار مدینه به حج مشرف شده، در سفرنامه‌اش عکسی از حرم حضرت حمزه ارائه می‌کند که در اطراف آن چادرهای زیادی برافراشته شده و در زیر آن عکس، این جمله را می‌نویسد:

واقع است اخذ می‌کنند و نه از خود قبر.^{۲۷} به طوری که ملاحظه کردید، حمل تربت حمزه و استشفای آن، از قرنهای اوّل در میان مسلمانان معمول بوده است؛ به طوری که علمای قرن‌های ششم و هفتم عمل آنها را به عنوان سیره مسلمانان صدر اسلام ملاک و دلیل فتوای خویش قرار داده‌اند.

در قرن‌های اخیر

و این بینش مسلمانان نسبت به خاک حمزه علیه السلام و تبرک جستن به آن، تا تسلط سعودی‌ها و روی کار آمدن وهابی‌ها ادامه داشته است؛ زیرا دونالدسون جهانگرد غربی که چند سال قبل از تخریب آثار مدینه از این شهر دیدار کرده، مشاهدات خود را در کتاب خود به نام «عقیده شیعه» آورده و ضمن گزارش از احد و حرم حضرت حمزه، می‌نویسد: «در پیرامون قبور شهدا، خاک سرخ رنگی وجود دارد که به حمزه علیه السلام نسبت داده می‌شود و مردم با آن تبرک می‌جویند.»^{۲۸}

سخن بورخات

بورخارت که در سال ۱۹۱۵



و جای تأسف است که امروزه نویسندگان و مؤلفان در حجاز، اقدامات این گروه تندرو را بزرگترین افتخار تلقی می‌کنند و دور شدن از راه و رسم رسول خدا را نسبت به نسل‌های آینده مسلمانان، بزرگترین امتیاز مذهبی برای خود می‌دانند و سایر مسلمانان را به شرک و بت پرستی متهم می‌سازند.

مثلاً نویسنده و مورخ معاصر «احمد سباعی» مکی با اشاره به این نوع مراسم و اجتماعات و ادعیه و زیارات، می‌گوید: «این بدعتها! از دوران فاطمی‌ها و در اثر تمایل و تشییع آنان نسبت به اهل بیت به وجود آمده بود و در طول تاریخ ادامه داشت تا اینکه سعودی‌ها در سال ۱۳۴۳ به مکه وارد شدند و این اعمال را ابطال و این مراسم را الغاء نمودند.^{۳۱}»

آری، آنان در عقیده خود آنچنان پافشاری و اصرار ورزیدند که حتی مسافرت به شهر مدینه را، اگر توأم با قصد زیارت قبر پیامبر اسلام ﷺ باشد، عملی حرام و گناهی بس بزرگ و غیر قابل بخشودنی دانستند.

«مسجد سیدنا حمزه و حوله زوَّار المدینه»؛^{۳۰} «این حرم حضرت حمزه است که در اطراف آن چادرهای زائران مدینه دیده می‌شوند.»

عقیده و عملکرد وهابیان

این بود آنچه که دربارهٔ ساختمان حرم حضرت حمزه رضی الله عنه از قرن اول تا قرن چهاردهم هجری رخ داده است و این بود گوشه‌ای از زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مراسم زیارت و اظهار ارادت مسلمانان نسبت به ساحت مقدس حمزه سید الشهداء که بر اساس پیروی آنان از رسول گرامیشان انجام می‌گرفته است.

ولی با تسلط وهابیان و با روی کار آمدن سعودی‌ها در حجاز، نه تنها حرم شریف حضرت حمزه و حرم‌ها و بقاع متعلق به شخصیت‌های اسلامی منهدم گردید، بلکه آنان از راه فرهنگی و ممنوع ساختن زیارت، به تضعیف عقیده و بینش مسلمان و تقویت عقیده نو ظهور خویش پرداختند که تعطیل نمودن زیارت رجیبه در کنار حرم حضرت حمزه از نمونه‌های آن می‌باشد.

بیانوشتها:

- ۱- ابن شُبّه، تاریخ مدینه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۳۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۴۰؛ ابن کثیر، تاریخ، ج ۴، ص ۴۵
- ۲- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۶۱
- ۳- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۶۱؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۹؛ واقدی به نقل از ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۴۰؛ سمهودی وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۳۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳ و ج ۴۳، ص ۹۰ و ج ۷۹، ص ۱۶۹ و ج ۹۹، ص ۳۰؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۴
- ۴- علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۱۶۰
- ۵- مرآت الحرمین، ج ۱، ؟
- ۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۳۶
- ۷- ابن شُبّه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۳۳؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ابن کثیر، تاریخ، ج ۴، ص ۴۳؛ دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۴۳؛ ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۵۷؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، صص ۱۴، ۲۶۴؛ سبکی، شفاء السقام، ص ۱۶۲؛ ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۲، ص ۵۵؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۳۸؛ ابن کثیر، تاریخ، ج ۴، ص ۴۳
- ۸- ابن شُبّه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن سعد، طبقات، ج ۳، ص ۱۱؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۳۲
- ۹- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۲۲
- ۱۰- در قرنهای اول به بناهایی که در روی قبور ساخته می شد، مسجد اطلاق می گردید و این اصطلاح از آیه شریفه «قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَفْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا» اتخاذ شده بود و اصطلاح حرم، مزار، و مشهد در قرن های بعد پدید آمده است.
- ۱۱- ابن جبیر، رحله، ص ۴۴
- ۱۲- الناصر لدین الله عباسی، چهارمین خلیفه عباسی است، تولد وی در سال ۵۵۳ و فاتش در سال ۶۲۲ و دوران خلافتش چهل و هفت سال بوده، گویند او به تشیع تمایل داشت. حرم حضرات ائمه بقیع و عباس عمومی پیامبر را تعمیر کرد. مادرش زمرّد نام داشته است. سیوطی، تاریخ الخلفاء، قمی تنمة المنتهی.
- ۱۳- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۵۸
- ۱۴- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۲۱



- ۱۵- در متن تاریخ ابن نجار آمده: «وجعل حوله حصاراً» و در نسخهٔ وفاء الوفا اینگونه می‌خوانیم: «وجعل حوله حصباء»؛ یعنی «اطراف حرم را شن‌ریزی نمود» که ظاهراً متن اوّل «دور حرم را دیوارکشی نمود» صحیح است و این تغییر و خطا از چاپ است.
- ۱۶- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۴، صص ۹۲۳-۹۲۱
- ۱۷- توصیف مدینه، به نقل از فصلنامهٔ «مقات حج»، ش ۵، ص ۱۱۹
- ۱۸- ابراهیم رفعت پاشا چهار سال و آخرین بار در سال ۱۳۲۵ به عنوان امیر الحاج از سوی پادشاه مصر در مراسم حج شرکت نموده و از این سفرها خاطرات و مشاهدات خود را جمع‌آوری و در دو جلد به نام «مرآت الحرمین» منتشر ساخته است.
- ۱۹- ملک اشرف قایتبای از پادشاهان سلسلهٔ چراکسه است که در سال ۸۷۲ به تخت نشست. در سال ۹۰۱ وفات یافت. او را با جلالت و بزرگ‌منشی ستوده‌اند. در کارهای خیر و ساختن مدارس و قلعه شهرها خصوصاً در شهر مکه و مدینه پیش قدم بود و چند کتاب به او نسبت داده شده است و گنبد سبز رسول خدا نیز از آثار اوست. نک: حشمت سامی، قاموس الاعلام؛ دهخدا، لغت‌نامه.
- ۲۰- این قطعه شعر دارای سیزده بیت و بیانگر تاریخ بنای موجود (۲۶۵) به نام بانی آن «سلیم‌بک» می‌باشد.
- ۲۱- ابراهیم رفعت پاشا، مرآت الحرمین، ج ۱، صص ۳۹۲ - ۳۹۰
- ۲۲- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۲۸۸
- ۲۳- بدرالدین ابو عبدالله زرکشی مصری منهایجی (متوفای ۷۹۴) صاحب کتاب سلاسل الذهب در علم اصول و زهر العریش فی احکام الحشیش و کتاب‌های دیگر.
- ۲۴- سمهودی وفاء الوفا، ج ۱، صص ۱۱۷ - ۱۱۶
- ۲۵- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، صص ۱۱۷ - ۱۱۶
- ۲۶- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، صص ۱۱۷ - ۱۱۶
- ۲۷- سمهودی وفاء الوفا، ج ۱، صص ۱۱۷ - ۱۱۶
- ۲۸- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۲۱۹
- ۲۹- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۳، ص ۲۵۵
- ۳۰- رحلة بتوننی، ص ۳۴۵
- ۳۱- احمد سباغی، تاریخ مکه، چاپ ششم، ج ۱، ص ۲۱۶